





دانشگاه مازندران
دانشکده الهیات و معارف اسلامی
پایان نامه جهت اخذ درجه کارشناسی ارشد در رشته فقه و مبانی حقوق اسلامی

عنوان :

بررسی تطبیقی تابعیت در فقه و حقوق موضوعه

نگارش :

فرشته سلیمانی مقدم

استاد راهنما :

سعید ابراهیمی

استاد مشاور:

علی اکبر ایزدی فرد

بهمن ماه ۱۳۹۸



تعهدنامه اصالت پایان نامه

بدینوسیله اینجانب **فرشته سلیمانی مقدم** دانشجوی دوره کارشناسی ارشد در رشته **فقه و مبانی حقوق اسلامی** با شماره دانشجویی **۹۵۱۳۲۵۱۰۹** تعهد می‌نمایم که کلیه مطالب مندرج در این پایان نامه تحت عنوان: **بررسی تطبیقی تابعیت در فقه و حقوق موضوعه** حاصل فعالیت پژوهشی خودم بوده که به راهنمایی یا مشاورت اساتید دانشگاه مازندران تهیه شده است و در هر جا که از دستاوردها یا آثار علمی دیگران استفاده شده با رعایت حقوق مالکین معنوی به صورت مستقیم یا غیرمستقیم در متن پایان نامه، ارجاع داده شده و در منابع پایانی ذکر شده است. این اثر پژوهشی قبلاً برای اخذ هیچ مدرک هم سطح، بالاتر یا پایین تر هیچ‌یک از دانشگاه‌ها و مؤسسات دولتی یا غیر دولتی ارائه نشده است، در صورت احراز تخلف و اثبات خلاف هر یک از موارد فوق، دانشگاه مازندران حق دارد بدون نیاز به حکمی از مراجع قضایی یا غیرقضایی، نسبت به ابطال مدرک تحصیلی اینجانب اقدام کند و حق پیگیری قضایی موضوع نیز برای دانشگاه مازندران محفوظ است و اینجانب حق هرگونه اعتراض را از خود ساقط می‌نمایم.

کلیه‌ی نتایج و حقوق حاصل از این اثر، متعلق به دانشگاه مازندران است و هرگونه استفاده از نتایج علمی و عملی، واگذاری اطلاعات به دیگران یا چاپ و تکثیر، نسخه برداری ترجمه و اقتباس از پایان نامه، بدون موافقت دانشگاه مازندران یا استاد راهنما یا مشاور ممنوع است. نقل مطالب با ذکر مأخذ بلامانع است.

نام و نام خانوادگی و امضاء دانشجو

صحت امضای دانشجو مورد گواهی است

مدیر گروه آموزشی

پاسکزاری

با تشکر و سپاس از اساتید دانشمند و بزرگوار جناب آقای دکتر سعید ابراهیمی و جناب آقای دکتر علی اکبر انزودی فروز دلیل یار و یارو بهمانی های بی چشداشت ایشان که بسیاری

از سختی ها را بر ایمن آسانتر نمودند.

تقدیم

به مقدس ترین واژه د لغت نامه دلم ، پدر و مادر مهربانم که زندگی ام را بدیون مهر و عطوفت ایشان می دانم و بمرسم که نشانه لطف الهی در زندگی من است که در تمام طول
تحصیل همراه و بهم کمک من بوده است.

چکیده

تابعیت عبارت است از تعلق حقوقی ، سیاسی و معنوی شخص به یک دولت معین .
رابطه تابعیت از دو طریق به وجود می آید ، طریق اول تابعیت اصلی که از دو طریق اصل

خون (نسبی) و اصل خاک (ارضی) به وجود می آید و طریق دوم تابعیت اکتسابی است که معمولاً با درخواست افراد و قبول دولت اعطا کننده به وجود می آید که ویژگی های اجتماعی و قوانین حقوقی هر کشور عامل تعیین کننده برای تحصیل تابعیت است. اعطای تابعیت می تواند یکی از روش های جذب نیروی انسانی مستعد و شایسته برای به کار گیری در مسیر توسعه اقتصادی و اجتماعی باشد. تصمیم در مورد به دست آوردن یا از دست دادن تابعیت با دولت ها می باشد و اراده شخص در این زمینه تعیین کننده نیست، به عبارت دیگر هر دولت خود تصمیم می گیرد چه کسانی و با چه مشخصاتی تبعه او محسوب می شوند. در این رابطه و پیوند، شخص در مقابل تابعیت خود، از حمایت دولت متبوع برخوردار می شود و در مقابل دولت متبوع به حمایت او در مقابل دیگر کشور ها و نهاد های بین المللی موظف است. در قوانین و مقررات اسلامی تابعیت معنا و مفهوم گسترده تری دارد و مبنای آن را پذیرش اسلام یا قبول حکومت اسلامی و عضویت در آن تشکیل می دهد، یعنی از دیدگاه مقررات اسلامی، اشخاصی اتباع دولت اسلامی محسوب می شوند که اسلام آورده باشند یا تحت قراردادی که با امام مسلمانان یا یکی از مسلمانان منعقد می کنند، حکومت اسلامی و اجرای قوانین آن را پذیرفته باشند. هدف از این تحقیق بررسی تطبیقی تابعیت در فقه و حقوق موضوعه بوده و به تبیین و تفسیر مفهوم تابعیت و انواع و شرایط آن در هر دولتی پرداخته شده است.

واژگان کلیدی: تابعیت، سیستم خون، سیستم خاک، آثار تابعیت، سلب تابعیت، ترک

تابعیت، بی تابعیتی

فهرست مطالب

صفحه

عنوان

۱. مقدمه.....

۲. مقدمه.....

۳. الف- بیان مسأله.....

۵. ب-سؤال‌های پژوهش.....

۶. ج-پیشینه پژوهش.....

۶. د-فرضیه‌های پژوهش.....

۶. ه-قلمرو پژوهش.....

۶. و-اهداف پژوهش.....

۷. ز-مبانی نظری پژوهش.....

۷. ح-روش‌شناسی پژوهش.....

۸. ط-سازماندهی پژوهش.....

۹. فصل اول: کلیات.....

۱۰. مبحث اول : شناخت تابعیت.....

۱۰. گفتار اول : تاریخچه پیدایش تابعیت.....

۱۳. گفتار دوم : مفاهیم و تعاریف تابعیت.....

۱۳. بند اول: مفهوم لغوی تابعیت.....

۱۳. بند دوم: مفهوم اصطلاحی تابعیت.....

۱۴. گفتار سوم : ارکان و عناصر تابعیت.....

۱۴. بند اول : وجود دولت اعطا کننده ی تابعیت.....

۱۵. بند دوم: وجود شخص حقیقی یا حقوقی.....

۱۵. بند سوم : رابطه تابعیت.....

۱۵. مبحث دوم : انواع تابعیت.....

۱۶. گفتار اول: تابعیت اجباری.....

۱۷. گفتار دوم: تابعیت اختیاری.....

۱۷. گفتار سوم: تابعیت تبعی.....

گفتار چهارم : تابعیت اصلی ۱۸

گفتار پنجم : تابعیت اکتسابی ۲۰

بند اول : تحصیل تابعیت به واسطه تقاضای شخص ۲۱

بند دوم : ازدواج ۲۳

بند سوم : تحصیل تابعیت ایران بر اساس عمل متقابل ۲۴

گفتار ششم : مقایسه تابعیت با مفاهیم مشابه ۲۶

بند اول : ملیت و تابعیت ۲۶

بند دوم: بیگانه و تابعیت ۲۶

بند سوم : شهروندی و تابعیت ۲۷

بند چهارم : بی تابعیتی و تابعیت ۲۸

گفتار هفتم : سیستم های حاکم بر تابعیت ۲۸

بند اول: سیستم خون ۲۸

بند دوم: سیستم خاک ۲۹

فصل دوم: شرایط تحصیل تابعیت، مبانی و مستندات فقهی و قواعد حاکم بر آن ۳۲

مبحث اول : شرایط تحصیل تابعیت ۳۳

گفتار اول: شرایط تحصیل تابعیت در اسلام ۳۳

گفتار دوم: شرایط تحصیل تابعیت در ایران ۳۶

بند اول : شرایط ماهوی تحصیل تابعیت در ایران بر اساس ماده 979 قانون مدنی ۳۶

بند دوم : شرایط شکلی تحصیل تابعیت ایران ۳۸

مبحث دوم: قواعد حاکم بر تابعیت ۴۱

گفتار دوم : نداشتن بیش از یک تابعیت (نفی دو تابعیتی) ۴۱

گفتار سوم : حق تغییر تابعیت ۴۲

مبحث سوم : مبانی و مستندات فقهی تابعیت ۴۳

گفتار اول: قرآن کریم ۴۳

گفتار دوم : روایات ۴۸

گفتار سوم : آراء فقها ۵۰

گفتار چهارم : اجماع.....	۵۱
فصل سوم: محدوده و قلمرو و آثار تابعیت در فقه و حقوق موضوعه.....	۵۴
مبحث اول: آثار تابعیت در اسلام.....	۵۵
گفتار اول: آثار تابعیت اسلام نسبت به مستأمن.....	۵۵
گفتار دوم: آثار تابعیت نسبت به کافر ذمی.....	۵۷
گفتار سوم: آثار تابعیت در احوال شخصیه کافر ذمی و مستأمن.....	۵۹
بند اول: ازدواج و طلاق.....	۶۰
بند دوم: ارث و وصیت.....	۶۲
گفتار چهارم: تاثیر تابعیت در معاملات و قرارداد های اهل ذمه.....	۶۳
بند اول: رهن.....	۶۶
بند دوم: شفعه.....	۶۷
بند سوم: وکالت.....	۶۷
بند چهارم: اجاره.....	۶۷
بند پنجم: خمس و زکات.....	۶۸
بند ششم: شراکت.....	۶۸
بند هفتم: مضاربه.....	۶۹
گفتار پنجم : تاثیر تابعیت در مسائل کیفری اهل ذمه.....	۶۹
بند اول : حدود و تعزیرات.....	۶۹
بند دوم : قصاص.....	۷۰
بند سوم : دیات.....	۷۱
مبحث دوم: آثار تابعیت در ایران.....	۷۲
گفتار اول : آثار حقوقی عام تابعیت.....	۷۲
گفتار دوم : آثار حقوقی خاص تابعیت.....	۷۳
بند اول: آثار تابعیت مربوط به خود تبعه.....	۷۳
بند دوم: آثار تابعیت مربوط به همسر.....	۷۴
بند سوم: آثار پذیرش تابعیت ایران مربوط به اولاد.....	۷۴

بند چهارم: آثار تابعیت نسبت به اطفال نامشروع و والدین مجهول	۷۵
گفتار سوم: آثار تحصیل تابعیت ایران در احوال شخصیه	۷۶
بند اول: ازدواج	۷۶
بند دوم: طلاق	۷۹
بند سوم: ارث و وصیت	۸۰
گفتار چهارم: معاملات و قرار دادهای اتباع ایرانی و خارجی	۸۱
گفتار پنجم: مسائل کیفری اتباع خارجی در ایران	۸۴
مبحث سوم: آثار تابعیت در بین الملل	۸۶
مبحث چهارم: علل پیدایش بی تابعیتی	۸۶
گفتار اول: ترک تابعیت در اسلام	۸۷
بند اول: ترک تابعیت اختیاری	۸۷
بند دوم: ترک تابعیت قهری	۸۷
گفتار دوم: ترک تابعیت در ایران	۸۸
بند اول: ترک تابعیت ارادی یا ترک تابعیت در اثر تقاضای شخص	۸۸
بند دوم: ترک تابعیت زن ایرانی بدون شوهر	۹۰
بند سوم: ترک تابعیت زن ایرانی به واسطه ازدواج با تبعه خارجی	۹۰
گفتار سوم: ترک تابعیت در بین الملل	۹۱
گفتار چهارم: سلب تابعیت	۹۲
بند اول: راه های سلب تابعیت	۹۲
بند دوم: سلب تابعیت از منظر اسلام	۹۵
بند سوم: سلب تابعیت از منظر حقوق ایران	۹۶
بند چهارم: سلب تابعیت از منظر بین الملل	۹۷
گفتار پنجم: عوارض و آثار بی تابعیتی	۹۹
بند اول: فرد بی تابعیت	۹۹
بند دوم: کشور اقامتگاه فرد بی تابعیت	۹۹
بند سوم: کشور اصلی فرد بی تابعیت	۱۰۰
گفتار ششم: راه های رفع بی تابعیتی	۱۰۰

بند اول: جلوگیری از سلب تابعیت.....	۱۰۰
بند دوم: جلوگیری از مهاجرت و پناهندگی.....	۱۰۰
بند سوم: حاکمیت سیستمهای خون و خاک.....	۱۰۱
بند چهارم: مشروط نمودن ترک تابعیت افراد به تحصیل تابعیت جدید.....	۱۰۱
بند پنجم: موافقتنامه های بین المللی.....	۱۰۱
گفتار هفتم: پیامد های حقوقی و کیفری ترک تابعیت.....	۱۰۳
بند اول : پیامد های حقوقی و کیفری خارج شدن از اسلام.....	۱۰۳
بند دوم: پیامد های حقوقی و کیفری خارج شدن از تابعیت ایران.....	۱۰۴
بند سوم: پیامد های حقوقی و کیفری خارج شدن از تابعیت در بین الملل.....	۱۰۸
نتیجه گیری.....	۱۰۹
پیشنهادهای.....	۱۱۰
منابع.....	۱۱۲
کتاب فارسی.....	۱۱۳
کتاب عربی.....	۱۱۶
پایان نامه ها.....	۱۲۱
منابع انگلیسی.....	۱۲۲

مقدمه

مقدمه

در حقوق بین الملل خصوصی کلیه کشورها از جمله ایران، از یک طرف، برای اتباع یا شهروندان خود نسبت به اتباع یا شهروندان کشورهای دیگر ساکن یا مقیم تحت عنوان بیگانگان در کشور میزبان حقوق و تکالیفی برابر و مساوی قائل نمی شوند و اصولاً اتباع بیگانه در کشور میزبان از برخی حقوق و تکالیف اجتماعی و سیاسی مانند شرکت در انتخابات عمومی معاف هستند. لذا وجود معیار یا معیارهایی جهت تمییز و تشخیص آحاد این گروه از سکنه و جمعیت هر کشور ضروری می باشد. برای این منظور، یعنی تشخیص اتباع خود از اتباع بیگانه از مفاهیم حقوقی مختلف، عمدتاً از مفهوم تابعیت، شهروندی و یا از هر دو مفهوم استفاده می گردد. میزان رویکرد به یکی از این دو تأسیس حقوقی و مبنای حقوقی آن ها هم در حقوق کشورهای مختلف متفاوت است.

موضوع تابعیت، یکی از مباحث مهم حقوق بین الملل خصوصی است که یکی از مهم ترین موضوعات سیاسی - حقوقی بشری می باشد و حلقه ای است که فرد را با جامعه ی خود پیوند می دهد. بدون وجود اصل تابعیت، تعلق افراد به جامعه و در نتیجه وجود مقوله ای به عنوان ملت که یکی از عناصر تشکیل دهنده ی حاکمیت و دولت است، بی پایه و اساس می گردد.

بدیهی است که هیچ دولتی ملزم به پذیرفتن یک نفر خارجی و بیگانه در خاک خود نیست اما همین که بیگانه را به خاک خود پذیرفت باید یک سلسله حقوق برای او در نظر بگیرد. بنابراین به نظر می رسد که در رفتار با بیگانگان باید یک چارچوب حقوقی را مشخص نمود و در قالب این چارچوب، دست دولت ها را باز گذارد تا بتوانند بر اساس امنیت، منافع حیاتی و مصالح سیاسی جامعه ی خویش، قوانین داخلی خود را در این زمینه تنظیم نمایند.

الف - بیان مسأله

«تابعیت» در لغت، مصدر جعلی از باب «تبع، يتبع، تبعاً» به معنای پیرو، دنباله رو و فرمانبردار بودن است و جمع آن «اتباع» میباشد (دهخدا، ۱۳۷۷) که در اصطلاح حقوق عرفی، به نوعی رابطه «شخصی» و «دولت» معین اطلاق می شود؛ رابطه ای که براساس آن (شخص) عضو جمعیت اصلی «دولت» محسوب می شود و منشأ حقوق و تکالیفی برای شخص مزبور می باشد (عامری: پارسامنش، ۱۳۹۳، ص ۱۸).

در کتاب و سنت و دیگر منابع فقهی و در آرای فقهای اسلامی، لفظی معادل تابعیت، به معنایی که در حقوق عرفی رایج است، وجود ندارد، زیرا در اندیشه سیاسی اسلام حکومت به خدا تعلق دارد و حاکمیت واقعی به وسیله انبیا و اولیا اعمال می شود. خداوند در قرآن می فرماید: «یا ایها الذین آمنوا أطیعوا الله و أطیعوا الرسول و أُولی الأمر منکم فإن تنازعتم فی شء فردوه إلى الله و الرسول إن كنتم تؤمنون بالله و الیوم الآخر ذلک خیر و أحسن تأویلاً» ای اهل ایمان! فرمان خدا و رسول و فرمانروایانی که از سوی خدا و رسول او از خود شما هستند را اطاعت کنید. پس اگر در چیزی کار به نزاع کشید، آن را به حکم خدا و رسول بازگردانید، گر به خدا و روز قیامت ایمان دارید، این کار برای شما بهتر و خوش عاقبت تر خواهد بود (نساء: ۵۹).

در آیات قرانی «تابعیت» به معنای عرفی آن دلالت ندارد، زیرا تابعیت به معنای عرفی، به مرزهای اعتباری کشورها اختصاص دارد و اعتقادات دینی در آن کم تاثیر یا بی تاثیر است، در حالی که اساس تابعیت در اسلام بر اعتقادات دینی استوار می باشد. با این توضیحات روشن می شود آنچه در معنای «اتباع» مورد نظر حقوقدانان عرفی است، در فرهنگ سیاسی اسلام در قالب «امت» و «ملت» تجلی یافته است، زیرا در حقوق عرفی، ماهیت تابعیت رابطه تعریف شده ملت و دولت است بی آنکه اعتقادات دینی در آن نقشی داشته باشد، ولی در اندیشه سیاسی اسلام، اعتقادات دینی نقش مهمی در تابعیت دارند.

تابعیت از دیدگاه اسلام به دو دسته بزرگ تقسیم می شود:

۱. **تابعیت ایمانی:** براساس این نوع تابعیت، همه مسلمانان در هر جای دنیا که باشند، تبعه دولت اسلامی محسوب می گردند و دولت اسلامی به دفاع از حقوق آنها مکلف است.
۲. **تابعیت پیمانی:** این تابعیت شامل آن دسته از کفار اهل کتابی می شود که براساس عقد ذمه در حکومت اسلامی زندگی می کنند.

این تقسیم‌بندی را می‌توان به شکل دیگری بیان داشت:

الف) **تابعیت عالی یا درجه یک:** در اندیشه سیاسی اسلام، این تابعیت فقط به کسانی اعطا می‌شود که دین مقدس اسلام را آخرین دین الهی و پیامبر اکرم را آخرین فرستاده خداوند بدانند. این تابعیت همان تابعیت ایمانی است.

ب) **تابعیت عادی یا درجه دو:** این تابعیت در فقه سیاسی اسلام به کفار اهل کتابی اعطا می‌شود که با امام مسلمانان یا نایب او قرارداد ذمه منعقد نمایند. این تابعیت را تابعیت پیمانی نیز می‌نامند.

در مورد تابعیت دانشمندان حقوق بین الملل بحث‌های متعدد و مفصلی انجام داده‌اند، ولی نظر واحدی ارائه نکرده‌اند. موضوع مهم در مورد تابعیت خصلت سیاسی و داخلی بودن تابعیت است، زیرا تابعیت حالت یا صفتی است، ناشی از این حقیقت که شخصی به یک دولت تعلق دارد. ساده‌ترین و درعین حال کامل‌ترین تعریفی که در مورد تابعیت می‌توان داد این است که: تابعیت یک رابطه سیاسی، حقوقی و معنوی است که فردی را به دولتی معین مرتبط می‌سازد. کشورهای جهان برای ایجاد تابعیت از دو قاعده «خاک» و «خون» به طور جداگانه یا از ترکیبی از آنها طبق مورد، استفاده می‌کنند. طبق قاعده خاک که معمولاً کشورهای مهاجرپذیر آن را اعمال می‌کنند هر کودکی که در سرزمین آن کشور متولد شود صرف‌نظر از این که والدینش تابعیت کدام کشور را داشته باشند، به تابعیت کشور محل تولد درمی‌آید. در قاعده خون که معمولاً از سوی کشورهای مهاجرفرست برای ایجاد تابعیت مورد استفاده قرار می‌گیرد کودکی که از پدر و مادر یا تنها پدر دارای تابعیت آن کشور در هر نقطه‌ای از جهان متولد شود به تابعیت کشور والدینش درمی‌آید.

البته علاوه بر این نوع تابعیت که از آن به عنوان تابعیت طبیعی یاد می‌شود نوع دیگر تابعیت، تابعیت اکتسابی است که اشخاص بزرگسال می‌توانند طبق مقررات با ترک یا حتی حفظ تابعیت اولیه خود به تابعیت کشور دیگری درآیند.

در کشور ما موضوع تابعیت در قانون مدنی مطرح شده است. جلد دوم قانون مدنی مصوب ۱۳۱۳/۱/۲۷ همراه با اصلاحات بعدی در مورد اشخاص است که کتاب دوم آن طی مواد ۹۷۶ تا ۹۹۱ مقررات مربوط به تابعیت ایران و حقوق و تکالیف آن را مشخص کرده است. به طوری که از این مواد برمی‌آید مفاد قانون مدنی ایران در بحث تابعیت ترکیبی از دو قاعده خاک و خون است.

در قوانین و مقررات اسلامی، تابعیت معنا و مفهوم گسترده‌تری دارد و مبنای آن را پذیرش اسلام (تابعیت ایمانی) یا قبول حکومت اسلامی و عضویت در آن (تابعیت پیمانی) تشکیل می‌دهد؛ یعنی از دیدگاه مقررات اسلامی، اشخاصی اتباع دولت اسلامی محسوب می‌شوند که اسلام آورده باشند یا تحت عنوان قراردادی که با امام مسلمانان یا یکی از مسلمانان منعقد می‌کنند، حکومت اسلامی و اجرای قوانین آن را پذیرفته باشند. همین امر باعث شده است ماهیت تابعیت در قوانین و مقررات اسلامی با آنچه در حقوق عرفی رایج است، تفاوت‌هایی داشته باشد اندیشمندان حقوق برای تابعیت، انواع و اقسامی ذکر کرده اند که در یک تقسیم‌بندی کلی، به دو دسته تقسیم می‌شود:

۱. تابعیت ذاتی

۲. تابعیت اکتسابی

تابعیت ذاتی به تابعیتی گفته می‌شود که فرد به محض به دنیا آمدن، از مزایای آن برخوردار می‌شود که به این تابعیت، تابعیت اصلی نیز گفته می‌شود. این تابعیت به دو صورت به شهروندان اعطا می‌شود:

۱. تابعیت خونی

۲. تابعیت خاکی

تابعیت خونی بدین معناست که فرد، تابعیت خود را به سبب تابعیت یکی از والدین خود به هنگام تولد کسب می‌کند و تابعیت خاکی بدین معناست که تابعیت خود را به صرف متولد شدن در کشور مشخص کسب می‌کند و به تابعیت والدین او ربطی ندارد.

در مقابل تابعیت ذاتی، تابعیت اکتسابی قرار دارد و مقصود از آن، تابعیتی است که فرد در هنگام تولد کسب نکرده است، ولی بعداً به جهتی از جهات یا به دلیل پدید آمدن شرایطی آن را کسب کرده است مانند تابعیت تحصیلی یا اجباری یا افتخاری و... (عامری: پارسامنش، ۱۳۹۳، ص ۴۵)

ب- سؤال‌های پژوهش

سوال اصلی

- وجوه افتراق و اشتراک تابعیت در فقه و حقوق موضوعه چیست؟

سوالات فرعی

۱. مبنای پذیرش تابعیت در فقه و حقوق موضوعه چگونه است؟
۲. معیارهای تابعیت در حقوق ایران منطبق با فقه اسلامی می باشد یا حقوق بین الملل؟
۳. پیامد های حقوقی و کیفری ترک تابعیت چیست؟

ج-پیشینه پژوهش

بحث مورد بررسی در این پژوهش که تطبیق احکام فقهی و حقوقی در قرآن کریم، کتب فقهی و قواعد فقهی است. در نگاشته های حقوقدانان نیز به این بحث در قانون مدنی اشاره شده است. همچنین در حقوق بین الملل نیز تابعیت به عنوان مساله ای مهم مورد توجه اشخاص و دولت ها می باشد. مقالات و پایان نامه های مهم در این باب مطرح شده است اما صرفا به جنبه صرفا فقهی و یا صرفا حقوقی این بحث پرداخته اند و لذا نگارنده در پی آن است تا با بررسی تطبیقی منابع فقهی با حقوق موضوعه به زوایای پنهان این بحث که تاکنون مغفول مانده است بپردازد.

د-فرضیه های پژوهش

۱. در مبانی فقهی، تابعیت بر مبنای اعتقادات دینی می باشد اما در حقوق موضوعه بر مبنای اصل خاک و خون مورد بررسی قرار می گیرد.
۲. تابعیت در حقوق ایران منطبق با حقوق بین الملل می باشد.
۳. سلب تابعیت و ترک تابعیت یکی از راههای بی تابعیتی است.

ه-قلمرو پژوهش

محدوده پژوهش حاضر از آیات قرآن کریم و در فقه امامیه در مباحث مربوط به بلاد اسلامی و بلاد کفر مطرح گشته است. حقوق ایران در قانون مدنی و کتب حقوقی به خصوص مباحث حق بین الملل خصوصی به این موضوع پرداخته شده است.

و-اهداف پژوهش

ما در این تحقیق بر آنیم تا بحث تابعیت در فقه و حقوق موضوعه که بررسی تطبیقی آن در نگاشته های محققان مغفول مانده است را مورد مطالعه قرار دهیم و با مقایسه مفاهیم

تابعیت، نحوه ورود و سلب تابعیت، انواع تابعیت واحکام کلی تابعیت در فقه و حقوق موضوعه در صدد پاسخگویی به سوالات مطروحه در این بحث برآییم.

ز- مبانی نظری پژوهش

تابعیت: اصطلاحی در حقوق بین الملل خصوصی، به معنای عضویت فرد در جمعیت تشکیل دهنده دولت. تابعیت در لغت به معنای پیرو و فرمانبردار بودن است و تابع (جمع: تبعه، اتباع) کسی است که عضو جمعیت اصلی یک دولت باشد و به کسی که عضو این جمعیت نباشد، اگرچه مقیم سرزمین آن دولت باشد، بیگانه یا غیرخودی می گویند.

دولت اسلامی: دولت اسلامی عبارت است از مجموعه ای از مردم دائم الاسکان در یک قلمرو مشخص، که با حکومت مستقل، احکام و مقررات اسلامی در آن جاری و ساری می باشد.

دوره ۲۳ ساله رسالت پیامبر به دو دوره تقسیم می شود: دوره ملت سازی که در آن دوره ۱۳ ساله پیامبر در مکه اقامت داشت و دوره دولت سازی که شامل ۱۰ سال اقامت در مدینه است و مهمترین اقدامات پیامبرخاتم صلی الله علیه وسلم عبارتند از تاسیس مسجد به عنوان مرکز عبادی، اجتماعی و حکومتی در مدینه، انعقاد پیمان اخوت و تاسیس نخستین قانون اساسی مدینه و محافظت از مدینه و مقابله با دشمن خارجی که استراتژی دعوت و جهاد را در تشکیل حکومت در نظر داشت.

اصل تمامیت ارضی: اصل تمامیت ارضی در حقوق بین الملل اصلی است که در پهنه بین المللی خواهان احترام به سرزمین یا قلمرو کشورهای دیگر است. این اصل بیانگر این است که سرزمین یک کشور هیچگاه نباید مورد تجاوز، تهاجم یا تجزیه غیرقانونی قرارگیرد. اصل تمامیت ارضی به این معناست که قلمرو کشور مصون و تجزیه ناپذیراست و نمی تواند با توسل به زور از خارج دگرگون و یا تجزیه یابد.

ح- روش شناسی پژوهش

گرد آوری اطلاعات به شیوه کتابخانه ای و اسنادی و استفاده از روش فیش برداری، جمع آوری آرا فقها و حقوق دانان می باشد و روش نگارش و تدوین بصورت تحلیلی - توصیفی خواهد بود.

ط-سازماندهی پژوهش

۱. فصل اول: کلیات
۲. فصل دوم: شرایط تحصیل تابعیت، مبانی و مستندات فقهی و قواعد حاکم بر آن
۳. فصل سوم: محدوده، قلمرو و آثار تابعیت در فقه و حقوق موضوعه